



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حافظ و گوته

شرق و دین اسلام و تأثیرپذیری وی از شرق را به تفصیل کاویده و ریشه‌های شکل‌گیری اندیشه رمانتیسم آلمانی را از طریق تأثیر شرق نشان داده است. «هردر» استاد روحی گوته با شعر شرق (ایرانی، هندی چینی) آشنایی داشت و خود، اشعار سعدی را به آلمانی ترجمه کرده بود. همو بود که عشق به معنویت شرقی را در گوته برانگیخت. گوته از بیست و چهار سالگی به تحقیق در فرهنگ و تمدن عربی مشغول بود و سفرنامه‌های بسیاری در باب آسیا و شرق خواند. با شخصیت پیامبر اسلام آشنا شد و می‌خواست درامی درباره زندگی و شخصیت محمد (ص) بنویسد، ولی هیچ‌گاه توفیق این کار را نیافت. این مقاله زندگینامه فکری گوته است، نویسنده با استناد به آثار، اشعار، نامه‌ها و مدارک

همزمان با افتتاح چهل و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در بلگراد، کتابی با عنوان حافظ و گوته به سرمایه مرکز فرهنگی ایران با همکاری انستیتو گوته در بلگراد منتشر شد. این کتاب ۲۰۳ صفحه‌ای حاوی ۸ مقاله به زبان صربی است که اختصاصاً درباره حافظ و گوته به نگارش درآمده است.

ویرایش این کتاب را خانم پروفیسور آنجلکامیتروویچ رئیس بخش شرق‌شناسی دانشگاه بلگراد برعهده داشته است.

مقاله نخست با عنوان «دیوان شرقی - غربی گوته» به قلم گوته‌شناس صرب، دکتر میرکو کریوکاپیچ نوشته شده است. نویسنده در این مقاله که جنبه زندگینامه‌ای آن بسیار دقیق و قوی است، نحوه شکل‌گیری ذهنیت رمانتیک گوته و روند آشنایی او با



مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی



می دانست، او شیراز را پایتخت شاعران معرفی کرده و معشوق
خویش (ماریانا فون ویلمر) را زلیخا لقب داده و خطاب به او گفته:
«نام تو زلیخاست
و من هم باید نامی داشته باشم
وقتی مرا عسلی نجوا می کنی
پس نام من هم حاتم است»

این نام گذاری متأثر از منظومه یوسف و زلیخای عبدالرحمن
جامی است که آن را نیز شرق شناس اتریشی و مترجم اشعار
حافظ، جوزف فون هامر، به آلمانی برگردانده است. مروراید
مهم ترین استعاره در اشعار گوته و استعاره محوری اشعار اوست
و بزرگ ترین بن مایه ذهنی گوته را به تصویر می کشد، او این

معتبر در زندگی گوته می کوشد تا تأثیر شرق به ویژه حافظ را بر
گوته نشان دهد. گوته شرق را سرزمین ایمان و اعتقاد و پیشگویی

استعاره را از شعر ایرانی به ویژه حافظ و سعدی اقتباس کرده است. در شعر فارسی دُر و مروارید استعاره از سخن ناب شاعرانه و الهام آسمانی است.

سخن گفتی و در سفتی، بیا و خوش بخوان حافظ
که بر کلک تو افشاند فلک عقد ثریا را
مروارید بنا به باورهای ایرانی جوهر خود را از آسمان و دریا
می گیرد و نماد تداوم و قدرت است.

کسانی که درباره مکتب رمانتیسم آلمانی مطلبی نوشته اند، غالباً گوته را یکی از چهره های پرنفوذ در تکوین پایه های رمانتیسم اروپا شمرده اند، از جمله هاینریش هاینه در مقاله «مکتب رمانتیسم» می گوید: گوته در پی آزادسازی فردیت انسانها بود. آزادی فردی و آزادی در بیان و احساسات و هیجانات شخصی از اصول اساسی مکتب رمانتیسم است. او این احساسات و عواطف فردی را در شعر شرق می دید. در بخش نخست کتاب فاوست، فرد به هیجان خود می اندیشد. مقاله دکتر میرکو کربوکاپیچ نکات تازه ای را از تأثیر ادبیات ایران در رمانتیسم اروپا با روشی معتبر و مستند نشان می دهد.

«حافظ و گوته: نبوغ موزون شاعرانه» دومین مقاله این مجموعه است به قلم دکتر دارکو تاناسکویچ استاد زبان عربی و ایران شناسی در دانشگاه بلگراد، او که خود از شاگردان فهیم بایراکتارویچ ایران شناس برجسته صرب است، بیشتر به آراء استاد خود استناد می کند. از آنجا که فهیم بایراکتارویچ پرکارترین و داناترین ایران شناس در بالکان است، باید بهترین داورهای یوگسلاوها را درباره حافظ در نوشته های وی جست و جو کرد. تاناسکویچ بیشتر به یافته های استادش استناد جسته و از این رو اطلاعات او درباره حافظ دست دوم به نظر می رسد. تاناسکویچ بر چند معنایی بودن و ابهام گویی در اشعار حافظ انگشت می گذارد و این ممیزه را مهم ترین شاخصه شعر وی می شمارد. درست مانند استادش فهیم بایراکتارویچ که این خصلت را معجزه شعر حافظ می دانست. دو معنایی و ابهام گویی در شعر گوته نیز وجود دارد. از قرون وسطی همیشه این سؤال بوده که آیا اشعار حافظ را باید ظاهری و صوری تفسیر کرد یا نمادین و استعاری؟ شعر او اشاره به واقعیت دارد یا دارای مفاهیم عرفانی است؟ برخی شارحان مثل سودی بوسنیایی در قرن شانزدهم، شعر حافظ را واقعی قلمداد کرده اند و برخی عرفانی. تاناسکویچ در مقاله خود چند معنایی بودن شعر حافظ را بزرگ ترین شاخصه شعری سبک حافظ معرفی کرده و در این باره به اقوال صاحب نظران مختلف استناد می جوید: از جمله به گفته امبرتو اکو: «همه نوشته های چندمعنایی حافظ دارای نیرو و تحرک و پویایی است و این ویژگی امکان می دهد تا موضوعات مختلفی در یک زمینه نوشته شود و درباره یک موضوع مشترک در زمینه های مختلف مطالب گوناگونی بیان شود. همه شعرهای چندمعنایی حافظ دارای معنا و مفهوم است.»

دارکو تاناسکویچ نکته جالبی در مقاله خود طرح کرده که بیانی تازه از زبان دوقطبی حافظ است. حافظ به طور دائم زبان استعاری و زبان حقیقی را از یکدیگر عبور می دهد و مجاز و حقیقت را در هم می پیچد. در شعر او پیوسته ویژگیهای استعاری و ظاهری به یکدیگر تبدیل می شوند. البته این خصلت شعر

پارسی است و منحصر به حافظ نیست. شردر، محقق آلمانی می گوید: «بزرگ ترین نوآوری در کار حافظ عدم جدایی جنبه های غیرروحانی از جنبه های روحانی آن است و این تفکیک ناپذیری بالاترین درجه فهم از دنیا و جایگاه انسان در آن را نشان می دهد، گوته این ویژگی حافظ را درمی یابد و او را برادر دوقلوی خویش می خواند.»

تاناسکویچ به اهمیت کلمه حافظ (حفظ کننده قرآن) در نظر گوته و مسئله حفظ قرآن و تأثیر آن در میان مسلمانان اشاره می کند و می نویسد: «گوته تلاش می کند خوانندگان آلمانی را با ارزشها و فواید حفظ قرآن در نزد مسلمانان آشنا سازد.

گوته می گوید: در قرن هجدهم حفظ انجیل در میان پروتستانها باعث می شد آنان در برابر رویدادها استوار باشند و در مناسبات اجتماعی و روش و شیوه زندگی از آن بهره ببرند. در میان مسلمانان نیز مسئله به همین شکل است... حافظ شیرازی از این منبع آگاهی بخش بهره های فراوان برده و خود نیز می گوید: هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم.»

گوته مجذوب نوعی وحدت وجود و اعتقاد به عینیت خدا بود. وحدتی که جانها را یگانه می سازد. نمادهای وحدت وجودی در غزل عارفان پارسی و اشعار محی الدین عربی همگی ریشه در قرآن دارد.

گوته در دیوان شرقی از دو حافظ یاد می کند: حافظ شاعر و حافظ عارف و روحانی، و برای حافظ عارف و روحانی ارج و قرب بسیار قائل است. گوته هیچ گاه شعر حافظ را تفسیر نمی کرد و می گفت باید از اشعار حافظ لذت برد و در اشعار او ذوب شد. شربان زندگی در اشعار حافظ در تپش است و تردیدی ناآرام در آن احساس می شود، شکی ناآرام که حافظ و گوته رابه هم پیوند می دهد.

مقاله سوم، «ساقی بهشت» نام دارد؛ به قلم دکتر راده بوژوویچ استاد برجسته عربی در بخش شرق شناسی دانشگاه بلگراد. نویسنده رمانتیسم آلمانی را محصول آشنایی غرب با شرق می داند و شعر شرقی را از گونه رمانتیک می شمارد. زیرا در تاریخ تئوریهای ادبی اروپا ویژگیهایی را که برای مکتب رمانتیسم برمی شمارند همگی در شعر شرقی نیز هست، از قبیل شخصیت روحی شاعر، جلوه های احساسات شخصی وی و روحیات فردی. ادبیات شرق به علت ویژگیهای خاص اشتراکی و اجتماعی اش یک نوع رمانتیسم واقع گرا محسوب می شود. در شعر حافظ سبک سرودن شعر مانند رمانتیسم تلاشی است برای انعکاس زیباییهای طبیعت و ذات انسان. حافظ و دیگر شاعران پارسی یکباره و به طور تصادفی در میان شاعران آلمان ظاهر نشدند، رمانتیسم اروپایی نیز یک شبه و تصادفی پدیدار نشد. در آلمان قیام علیه تمدن معاصر و ضدیت با نفوذ فرانسه و شورش علیه خردگرایی صنعتی که تخیل را تهدید به نابودی می کرد، نقش مهمی در ظهور رمانتیسم داشت. در آن زمان، هر در با نفوذ فرانسه در آلمان مبارزه می کرد، و برای بازکردن درها به روی اشعار خیال انگیز شرقی و اشعار حماسی و مردمی شرق به ویژه حافظ و سعدی بسیار کوشید. گوته در ۱۷۷۵ به شهر وایمار آلمان رفت و در دربار شاه هرتسک با مردان بزرگی همچون هردر، ویلاند و شیلر آشنا شد. این گروه اهل فرهنگ و ادب بودند و از

عقل و خرد، دل خوشی نداشتند. عقل گرایی در سده هجدهم در راه افراط افتاده بود و رمانتیسم آلمانی از همین جا ریشه گرفت. علاقه یوانوویچ زمای شاعر بزرگ صرب به شرق و حافظ نیز از رهگذر ترجمه های آلمانی بود.

مقاله چهارم «حافظ و گوته» نوشته خانم ملینارویایی، مترجم و آشنا به زبان فارسی است. این مقاله در قیاس با دیگر مقالات، قدری احساسی و شتاب زده به نظر می رسد و برخی مطالب آن جای تأمل دارد. از جمله وجود قالب رباعی در اوستا؟! و مرگ زودهنگام پدر حافظ و تطبیق معشوقه افسانه ای حافظ «شاخ نیات» با ماریانا فون ویلمر، محبوبه گوته. و نیز تفاوت گوته و حافظ در اینکه اشعار گوته در زمان حیاتش منتشر می شود، ولی حافظ اشعار خود را در زمان حیاتش منتشر نمی کند.

مقاله پنجم شمس الدین محمد حافظ شیرازی، به قلم دکتر بشیر جاکا، استاد ایران شناسی در دانشگاه سارایوو است. او



نویسنده کتاب تاریخ ادبیات فارسی (سارایوو، ۱۹۹۹) به زبان صرب و کرواسی است. بشیر جاکا تحصیلات خود را در تهران به پایان رسانده و از محضر استادان بزرگی همچون بدیع الزمان فروزانفر، دکتر خانلری، دکتر ذبیح الله صفا و... زبان فارسی را فرا گرفته است. کتاب تاریخ ادبیات فارسی وی یگانه منبع معتبر و دقیق در این زمینه به زبان صربی است. این مقاله که بخشی از کتاب مذکور درباره حافظ است با استناد به اشعار دیوان به زندگینامه، اندیشه، و عصر حافظ پرداخته و باروش تاریخ ادبی و با استناد به منابع ایرانی از قبیل تاریخ ادبیات دکتر ذبیح الله صفا و ادوارد براون و رضازاده شفق به طور مبسوط درباره حافظ بحث کرده است.

مقاله ششم «گوته و ایران» نوشته دکتر فهیم بایراکتارویچ (۱۸۸۹-۱۹۷۰) برجسته ترین ایران شناس در بالکان است. وی شاگرد هانری ماسه خاورشناس بزرگ بود و با زبانهای فارسی، عربی و ترکی آشنا بود. فهیم از منابع آلمانی برای شناخت گوته

بهره برد و با بهره گیری از دانش خود درباره حافظ، در شصت سال پیش بهترین و مفصل ترین مقالات را در زبان صربی راجع به تأثیر حافظ شیرازی بر گوته نوشت. کتاب وی با عنوان «تأثیر حافظ بر گوته» (بلغراد، ۱۹۳۹) اگر به زبان صربی نوشته نمی شد به یقین در محافل علمی و ادبی جهان با استقبال بسیار مواجه می شد. فهیم در این کتاب تأثیر حافظ را بر گوته به تفصیل به بحث گذاشته، نامهای فارسی ۱۲ باب دیوان شرقی - غربی را تحلیل کرده است. فهیم شعر حافظ را با این ویژگیها می شناساند: مضمون اشعارش ابدیت الهی و تداوم ارزشهای انسانی است، حافظ فهم خود را از معنای زندگی و جهان به سبکی پر از شادی و طراوت و با تخیلی عجیب بیان می کند. او محترمانه به نفاق و دروغ و دورویی در میان برخی طبقات حاکم اجتماع پوزخند می زند و احترام گوته نسبت به حافظ به جهت همین مضامین است. گوته شباهتهای روحی و معنوی زیادی میان خود و حافظ می یابد.

در مقاله هفتم، پروفسور آنجلکا میتروویچ، رئیس بخش شرق شناسی دانشگاه بلغراد «جایگاه حافظ در ادب صربستان» را نشان می دهد. این مقاله، کتابشناسی توصیفی آثاری است که درباره حافظ شیرازی به زبان صربی نوشته شده است. مؤلف تعداد ۹۷ کتاب و مجله و روزنامه را که در آنها درباره حافظ شیرازی مطلبی آمده معرفی کرده است. قدیمی ترین این منابع نوشته های شاعر شهیر صرب یوان یوانوویچ زمای (۱۸۳۳-۱۹۰۴) است. وی از طریق آثار هاینریش هاینه، شاعر آلمانی با ادبیات ایران آشنا شد و از سال ۱۸۶۱ در istoibiser در شهر نوی ساد مطالبی درباره حافظ به چاپ رساند. اما بیشترین آشنایی مستقیم صرب زبانان با حافظ از رهگذر تلاشهای شاعر و شرق شناس صرب، صفوت بیگ پاشاگیچ (۱۹۳۴-۱۸۷۰) در ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۵ صورت گرفت. او در کتاب تروفاند، «خرابات» شعر حافظ را نوعی جمهوری تصور کرده که در این جمهوری حقیقت و آزادی اندیشه محترم شمرده می شود و میان مردم این جمهوری، عشق فراگیر و همگانی حاکم است (تروفاند، زاگرب، ۱۸۹۶؛ ص ۱۷۵-۱۹۱). منتقدان در آثار وی رمانتیسم اصیل ایرانی را نشان می دهند. (رک: ایران شناسی و ایران شناسان در یوگسلاوی سابق، یاشار رجب آگیچ، ترجمه جمشید معظمی گودرزی، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰).

مقاله هشتم کتابشناسی نسخه های خطی دیوان حافظ است. در این مقاله نگارنده قدیم ترین منابعی را که غزلهای حافظ در آنها آمده معرفی کرده است و فهرستی از کهن ترین نسخه های معتبر حافظ که از کتابخانه سالار جنگ هند تا کتابخانه دانشگاه شیکاگو و لندن و استانبول و دیگر نقاط جهان پراکنده است، آورده است. در این مجموعه قطعاتی از اشعار حافظ و گوته نیز به زبان صربی چاپ شده است. این کتاب در روز شنبه ۳ آبان در چهل و هفتمین نمایشگاه کتاب بلغراد به نقد و بررسی گذاشته شد و با استقبال جالب توجهی روبه رو شد.

پانوش:

* حافظ و گوته (مجموعه مقالات)، انستیتو گوته و مرکز فرهنگی ایران در بلغراد، چاپ بلغراد، پاییز ۱۳۸۲/ اکتبر ۲۰۰۳.